

یا مخالفند که به جرات می‌توانم بگویم ۹۸ درصد موفق هستند. آهنگساز امروزی، لپ‌تاپ و رایانه‌اش را روشن کرده، نرم‌افزار را باز می‌کند، صداها را بالا می‌آورد و با زدن یک کلید صدا به شکل از پیش تعیین شده و بر اساس یک دمو ترکیب می‌شود. سواد آهنگسازی بسیار کم شده است.

بعضی از فیلم‌ها هستند که روش‌های نوبی را در حین ساخت یک فیلم در پیش می‌گیرند، مثلاً بازو بسته شدن درها، قراردادن کاغذ در دستگاه کپی و... که موسیقی آن فیلم را تشکیل می‌دهد. رویکرد شما نسبت به این آثار چگونه است؟

من ۲۷ سال است که موسیقی فیلم را در دانشگاه تدریس می‌کنم. در مجموع دوازده کارکرد بری موسیقی فیلم تعریف شده است که موسیقی «افکتیو» یکی از این‌هاست که شما به آن اشاره می‌کنید. کما این که در فیلم‌هایی مثل «فرار از زندان» و... نمونه‌های آن هم با آن برخورد کرده‌ایم.

وضعیت موسیقی و تدریس آن در دانشگاه‌ها و آکادمی‌ها چطور است؟ این را از منظر یک استاد دانشگاه توضیح دهید.

در کشورهای دیگر برخلاف ما در مدارس و محافل آکادمیک به درس موسیقی فیلم اهمیت زیادی می‌دهند. در حالی که در دانشگاه‌های ما سال‌هاست که به جای واحد «موسیقی فیلم»، «سولفژ» تدریس می‌شود. در حالی که موسیقی فیلم چهار واحدی است و باید مفصل آموزش داده شود. می‌خواهم بگویم که ما هنوز کارکردهای موسیقی فیلم را هنوز نشناخته‌ایم، چون این رشته به شکل آکادمیک به دانشگاه‌ها راه نیافته است.

وضعیت فارغ التحصیلان را در زمینه موسیقی فیلم چطور می‌بینید؟

تقریباً هیچ! چون همان طور که اشاره کردم رشته تخصصی به این نام در دانشگاه نداریم؛ در نتیجه خروجی سازنده و کورس‌های تکمیلی هم در این سال‌ها شکل نگرفته است. با وجود آن که سال‌هاست در دانشکده سینما و تئاتر تدریس می‌کنم همچنان جای خالی این درس را گوشزد کرده‌ام. به نظرم در این سال‌ها زمینه برای مواجهه و گفت‌وگو میان آهنگساز و فیلمساز کمتر فراهم شده است. استاد حسین علیزاده به این مسئله اشاره می‌کرد که بعضی از کارگردانان آهنگی را در اختیار او می‌گذارند و از او می‌خواهند اثری شبیه آن بسازد. او معتقد بود این کار اشتباه است. چون آهنگساز باید به ساخت یک اثر مستقل بپردازد.

فکر می‌کنید مهمترین حلقه مفقوده در این زمینه برای ساخت موسیقی فیلم‌های مطلوب چیست؟

خود من در سال‌های گذشته در دو فیلم «پسر مریم» و «خواب سفید» با حمید جبلی کار کردم و از همکاری‌ام رضایت دارم، چون او هنرمندی است که به سینما اشراف دارد و راهنمایی‌هایی هم که در این زمینه می‌کرد کارگشا بود و کار به خوبی پیش می‌رفت، یا همین طور زنده یاد خسرو سینایی که همکاری با او لذت بخش بود. اما در مجموع، نبود گفت‌وگو مشترک میان آهنگساز و کارگردان یکی از خلأهای جدی در سینمای ما به شمار می‌رود. در حالی که اگر زمینه این گفت‌وگو به وجود بیاید می‌توانیم از این منظر شاهد تحول بزرگی در موسیقی فیلم باشیم. متأسفانه آنقدر که حساسیت روی انتخاب سلب‌ریتی‌ها دارند روی کیفیت عوامل فنی ندارند.

شود. نکته دیگر این است که بعضی از آهنگسازان بیشتر یک تکنسین هستند که فقط با فشار چند دکمه به تولید یک محصول می‌پردازند. در حالی که همین امروز، هوش مصنوعی می‌تواند آهنگ مورد نظر را بسازد.

عجب، و آیا این موضوعات موجب نگرانی آهنگسازها هم می‌شود؟

نگرانی من از تکنولوژی نیست، از بی‌تفاوتی کارگردانان و تهیه‌کنندگانی است که موسیقی فیلم را جدی نمی‌گیرند. امروز اغلب کارگردانان و آهنگسازان حرفه‌ای خانه نشین هستند و یک سری از کسانی که عموماً دانش آهنگسازی ندارند به وسیله نرم‌افزارهایی که در اختیار دارند در این وادی فعالیت می‌کنند. ضمن این که نهادهای صنفی مثل خانه سینما و خانه موسیقی هم در این زمینه منفعل هستند و واکنشی نشان نمی‌دهند. همه این عوامل دست به دست هم داده است تا شاهد افول جدی در موسیقی فیلم باشیم. تکنولوژی و هوش مصنوعی نمی‌تواند به اندازه کارگردان‌ها و تهیه‌کنندگان کم سواد ضربه بزند.

با این حال امروز به لحاظ کمی شاهد تنوع آثاری در قالب فیلم و سریال در پلتفرم‌ها هستیم. چرا شما در زمینه ساخت موسیقی این آثار مشارکت نمی‌کنید؟

من ۳۴ سال فعالیت حرفه‌ای در زمینه موسیقی فیلم داشته‌ام، ولی در سال‌های اخیر کاری انجام نداده‌ام. در همه جای دنیا هر وقت آهنگساز به درجه پختگی می‌رسد آثار بیشتری به او سفارش داده می‌شود، چون نام و برند او بر روی یک اثر می‌تواند در رونق آن کار تاثیرگذار باشد. اما در کشور ما پیشکسوتان به حاشیه رانده شده‌اند، کما این که هنرمندان همدوره‌ای من مانند کامبیز روشن‌روان، فریدون شهبازی، محمدرضا عقیلی، مجید انتظامی و زنده‌یادان بابک بیات و ناصر چشم‌آذر به آن شکلی که باید سفارش کار در زمینه موسیقی فیلم نداشتند و از بین نسل بعد از ما هم تعداد انگشت‌شماری فعال هستند. به همین خاطر است که معتقدم، بخشی از سینمای ما به خاطر فقدان موسیقی فیلم ناقص‌الخلقه مانده است، چون جایی که باید



معتقدم، بخشی از سینمای ما به خاطر فقدان موسیقی فیلم ناقص‌الخلقه مانده است، چون جایی که باید در آن کار حرفه‌ای می‌شده صورت نگرفته است. یادم هست وقتی با بعضی از کارگردانان صحبت داشتم به این مسئله اشاره می‌کردند که ما از قدرت موسیقی آگاه هستیم، ولی قدرت موسیقی باعث می‌شود کار ما دیده نشود! این نشان می‌دهد آن کارگردان به کار خودش ایمان ندارد

در آن کار حرفه‌ای می‌شده صورت نگرفته است. یادم هست وقتی با بعضی از کارگردانان صحبت داشتم به این مسئله اشاره می‌کردند که ما از قدرت موسیقی آگاه هستیم، ولی قدرت موسیقی باعث می‌شود کار ما دیده نشود! این نشان می‌دهد آن کارگردان به کار خودش ایمان ندارد. در حالی که در سینمای آمریکا و اروپا از این نظر همه چیز سرجای خودش قرار دارد. با توجه به شرایط فعلی من فکر می‌کنم سازمان و سینمای ایران باید استراتژی راهبردی درباره موسیقی داشته باشد و بگوید امروز استراتژی ما درباره موسیقی به این صورت است و پنج سال آینده در چه جایگاهی قرار داریم و این میان نظر مردم و خواست آنها چیست و آیا مردم با نشان دادن ساز موافق هستند

مخاطبان سینما و فیلم بین نسبت به دهه‌های هفتاد و هشتاد کمتر به سینما می‌روند، چون همان طور که اشاره کردم، به ندرت اثر شاخصی تولید می‌شود که از موسیقی فیلم شاخصی هم برخوردار باشد. به بیان ساده‌تر، دیگر شاهد جریان‌سازی موسیقی فیلم در سینما نیستیم و شاید می‌بایست سنگ مزار آن را آماده کنیم.

به نظر تان ممکن است به کارگیری تکنولوژی در موسیقی باعث شده تا سرعت در این وادی به قربانی شدن کیفیت بیانجامد؟

به اعتقاد من دلایل مهم‌تری در این زمینه وجود دارد. یکی از دلایل این است که دیگر برای بعضی از تهیه‌کنندگان و کارگردانان مهم نیست فیلمی که می‌خواهند بسازند از چه موسیقی برخوردار باشد. یا برایشان مهم نیست که آهنگساز چه چیزی قرار است خلق کند. شما درس‌التان به تکنولوژی اشاره می‌کنید، در حالی که این تکنولوژی امروز در اختیار من هم هست. اما بی آن که به کیفیت اثری که می‌سازم صدمه وارد شود از آن استفاده بهینه می‌کنم. بنابراین فکرمی‌کنم در این زمینه با کج‌سلیقگی برخی از تهیه‌کنندگان در سینما مواجه هستیم. از طرفی، فیلم خوب ساخته نمی‌شود که انتظار داشته باشیم موسیقی با کیفیتی در این میان ارائه